

## بررسی مفاهیم و جایگاه ادله و احکام تجسس در فقه و تقابل آن با حریم خصوصی افراد

محمدحسین ابراهیمی

کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، سیستان و بلوچستان، ایران

### چکیده

موضوع علم حقوق، انسان است و نحوه ی بهره مندی انسان ها از حقوق شهروندی، از مباحث مهم نظام های حقوقی دینی و غیر دینی است. در حالی که در تعریف اصطلاح «شهروند» دیدگاه های مختلفی وجود دارد، بررسی این دیدگاه ها به همراه مقایسه ی تطبیقی آن در سیره ی نبوی و در حقوق ایران، در عین بدیع بودن می تواند راه گشای بحث و بررسی بیشتر درباره ی این موضوع باشد. یکی از موضوعات مهم اخلاقی در جوامع امروزی که برخی از افراد به منظور کنجکاوی و برخی به سبب اقتضای شغلی خویش، مانند نیروهای انتظامی، امنیتی و روزنامه نگاران و اصحاب خبررسانی ناگزیر از انجام آن هستند، تجسس در امور دیگران است. سوال اصلی در این مطالعه این است که تجسس از حریم خصوصی افراد از منظر فقه چه حکمی دارد؟ فرضیه اصلی در پاسخ به سوال فوق این است که حریم افراد در فقه دارای مصطلح شرعی یا متشرعی نمی باشد و ضابطه آن صرفاً ضابطه ای عرفی است، اما در فقه تحت عناوین مختلفی از آن حمایت شده است. یافته های پژوهش حاکی است که قدر متیقن از ادله دال بر حرمت، تحریم جاسوسی و تجسس حوزه حریم خصوصی اهل ایمان می باشد؛ و ادله حرمت قادر به تحریم جاسوسی و تجسس به طور مطلق در مورد تمام افراد بشر اعم از مسلمانان اهل فسق، جور و کفار و... نمی باشد. حریم افراد در فقه دارای مصطلح شرعی یا متشرعی نمی باشد و ضابطه آن صرفاً ضابطه ای عرفی است، اما در فقه تحت عناوین مختلفی از آن حمایت شده است.

واژه های کلیدی: ادله و احکام، تجسس در فقه، حریم خصوصی.

## مقدمه

گرچه تفکیک حوزه خصوصیات حوزه عمومی قدمتی به درازای حیات انسانی دارد؛ اما توجه فزاینده به قلمرو و اهمیت زندگی خصوصی و حفظ آن در برابر عوامل تهدیدکننده از مسائل عصر جدید است. دامنه حوزه خصوصی و گستره حوزه عمومی به بسیاری از عوامل فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بستگی دارد و با تغییر این عوامل قلمرو حیات خصوصی و عمومی دستخوش تغییر می‌گردد. یکی از مهم‌ترین عوامل در تعیین دامنه این حوزه عامل فرهنگی به ویژه دین است. دین اسلام نیز به عنوان یکی از بزرگ‌ترین ادیان جهان معاصر اهتمام ویژه‌ای به حریم خصوصی انسان‌ها و حفظ آن داشته است. نظام اخلاقی اسلامی که در پرتو تعالیم انسان ساز قرآن و پیامبر (ص) تبلور یافته، تنها عامل سعادت بخش و هویت ساز انسان را مراجعه به قرآن و سنت می‌داند. فضائل و رذایل اخلاقی در ابعاد فردی و اجتماعی و رعایت حسن و قبح اخلاقی، سرنوشت زندگی فرد را تعیین می‌کند.

## بیان مساله

ماهیت و حکم اخلاقی تجسس یکی از موضوعات مهم اخلاقی برای عموم مردم و به ویژه برای افرادی است که مقتضای شغلی آنها در ارتباط با تجسس است، مانند نیروهای انتظامی، امنیتی، اطلاعاتی، روزنامه‌نگاران و اصحاب خبر. تجسس به تحقیق و تفحص در امور مخفی و پنهان دیگران که ماهیت شخصی و فردی دارد، گفته می‌شود. بنابراین، به کارگیری واژه تجسس در تفحص از اموری که ماهیت ظاهر و آشکار دارند یا به تعبیر دیگر، ماهیت اجتماعی و جمعی دارند، صحیح نیست. سه نوع تجسس با احکام جداگانه وجود دارد: تجسس در امور شخصی، در امور اجتماعی و در امور دشمن. تجسس در امور شخصی افراد به حکم عقل و صریح آیه «ولاتجسسوا» و روایات متعدد، جایز نیست. تجسس در امور اجتماعی که عبارت بهتر برای آن «بازرسی» و «نظارت» است، بنا بر دلیل عقلی و برخی روایات، جایز و در برخی شرایط واجب است. اطلاع از شرایط جامعه، نیازها و مطالبات مردم و ایجاد عدالت اجتماعی که از مهم‌ترین وظایف حاکم است و دستیابی به آنها تا حد زیادی به گزینش مسئولان و کارگزاران حکومتی متعهد، مؤمن و متخصص، وابسته است، نیازمند تحقیق و تفحص از عملکرد دستگاه‌ها و سازمان‌های اجتماعی است.

## فرضیه‌ها

۱. تجسس از حریم خصوصی افراد در راستای حفظ نظام و جلوگیری از اختلال در آن... از حکم حرمت خارج می‌باشد.
۲. تجسس و تفحص اموری که ماهیت ظاهر و آشکار دارند یا به تعبیر دیگر، ماهیت اجتماعی و جمعی دارند، صحیح نیست.

## جاسوسی و تجسس

جاسوسی و تجسس از ریشه «جسّ یجسّ» بوده و به معنای حس کردن با دست برای شناسایی چیزی می‌باشد (محقق، ۱۳۶۴ ش، ج ۵: ۱۶۶-۱۶۷).

عسقلانی در فتح الباری دلیل اینکه گاهی به جای «جاسوس» تعبیر «عین» آورده می‌شود این‌گونه تحلیل می‌آورد که وجه تسمیه جاسوس به عین از این باب است که عمل جاسوس در واقع با چشم می‌باشد و اهتمام اصلی او رؤیت می‌باشد چنانکه گویی تمام بدن او چشم شده باشد (عسقلانی، بی تا، ج ۶: ۱۲۶).

پس از آنکه معنای لغوی تجسس و جاسوسی و مشتقات اصلی و مترادف‌های آنها بیان گردید نوبت به تحقیق معنای مصطلح شرعی آن می‌رسد، بنابر تتبع و بررسی نگارنده و بیان برخی از فقها برای تجسس و جاسوسی مصطلح شرعی یا متشرعی در شریعت اسلامی وجود ندارد و اگر هم به کار برده شود و موضوع حکم قرار گیرد به همان معنای لغوی به کار می‌رود (مشکینی، ۱۳۸۶ ش: ۱۲۸).

«تجسس» در لغت و عرف به معنای جستجو از درون امور است (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۶۴۵۷).

## معنای اصطلاحی تجسس

### در قانون:

جاسوسی از جمله عناوین مجرمانه ای است که در متون جزائی کشورهای مختلف استعمال شده است و در برخی از قوانین کشورها جاسوسی صراحتاً تعریف شده و از دیگر جرائم مشابه آن چون خیانت به کشور تفکیک شده است. در قوانین کیفری بعضی دیگر از کشورها جرم جاسوسی تعریف نشده، بلکه برخی از مصادیق جاسوسی ذکر شده است. شاید بتوان گفت قانونگذار در این کشورها سعی کرده که جاسوسی را بطور مبهم بیان نماید تا در هر مرحله ای که بخواهد مساله ای را با توجه مقتضیات زمان و مکان با جرم جاسوسی مطابقت دهد تا مانع قانونی بر سر راه آن نباشد. با وجود قوانین متعدد جزایی کشور ما قانونگذار تعریفی از جرم جاسوسی و جرائم مرتبط به آن اشاره ننموده است. همین امر یعنی عدم وجود یک تعریف جامع از جرم جاسوسی باعث شده است که جاسوسی در برخی از موارد از جرم خیانت به کشور قابل تفکیک نباشد و موجب اختلاط این دو مفهوم در حقوق موضوعه ایران شده است (صالح ولیدی، ۱۳۷۳، ص ۱۰۳).

### در حقوق کیفری:

در قلمرو حقوق کیفری حقوقدانان تعاریف متعددی از جاسوسی و جاسوس ارائه کرده اند که به عنوان نمونه چند مورد از این تعاریف را مورد بررسی قرار می دهیم: (صالح ولیدی، همان، ص ۱۱۲).  
در تعریف جاسوس آورده اند: "جاسوس به شخصی اطلاق می شود که در پوشش های متقلبانه یا مخفیانه و به نفع دشمن درصدد تفحص و تجسس پیرامون اسرار یا تحصیل اطلاعات یا اخبار یا مدارک و اسناد مربوط به استعداد و توانایی نظامی، اقتصادی، فرهنگی مربوط به یک کشور وانعکاس آنها به کشور دشمن باشد. در تعریف دیگری از جاسوس آمده است "جاسوس به شخصی گفته می شود که بحث عناوین غیر واقعی و مخفیانه به نفع خصم درصدد تحمیل اطلاعات با اشیایی باشد (گلدوزیان، ۱۳۶۹، ص ۳۴۶).

### حریم عمومی:

این حریم به حوزه عمومی مربوط است و با قرارداد اجتماعی به وجود می آید. این حریم با گذر از حریم خصوصی پدیدار می شود و به نحوی عمومی شده است. بخش هایی از حریم خصوصی به مثابه قرارداد اجتماعی است. پیدایش حوزه عمومی موجب تفکیک این حوزه از حوزه خصوصی شده است (هابرماس ۱۳۸۴: ۲۹).

### حریم خصوصی

مفهوم حریم خصوصی ریشه فلسفی، حقوقی، سیاسی، انسانی شناختی و جامعه شناختی دارد. در ارتباط با حریم خصوصی دو برداشت کلی وجود دارد: یکی برداشت توصیفی که حریم خصوصی را توصیف می کند و دیگری برداشت دستوری که از ارزش حریم خصوصی سخن می گوید. در هر یک از برداشت ها، بعضی حریم خصوصی را نفع و بعضی دیگر حق اخلاقی یا قانونی تلقی می کنند (انصاری ۱۳۸۶: ۱۴-۱۳).

### حکم تجسس

فقها به استناد آیه دوازدهم سوره حجرات و احادیث متعدد، تجسس را حرامی دانند. همچنین تفتیش از عقایدو اسرار و خطاهای مؤمنان و نیز افشا و آشکار کردن آنها، با استناد به آیات قرآن، از جمله آیه نوزدهم سوره نور، حرام است. تجسس در زندگیشخصی و خانوادگی افراد نیز مشمول این حکماست. از سوی دیگر، براساس برخی آیات، از جمله آیه ۱۸۹ سوره بقره ۲۷ سوره نور، ورود مخفیانه و بدون اجازه حریمخانه دیگری، ممنوع است و بر پایه آرای فقهی، هرکس می تواند به هر شکل ممکن با متجاوز به این حریم مقابله کند. به نظر فقهای شیعه و اهل سنت، هرگاه کسی در پی تجسس از درون منزل مؤمن برآید، صاحب منزلحق دارد وی را از این کار بازدارد و اگر تجسس کننده کار خود را ادامه دهد، صاحبخانه مجاز است با پرتاب

سنگریزه‌ی را از این کار منعکند. به نظر بسیاری از فقها، اگر این کار منجر به جراحتی حتی مرگین شخص شود، صاحب خانه ضامن نیست (رحمان ستایش، ۱۳۷۹، ۴۶)

### حکم تجسس در امر به معروف و نهی از منکر

تجسس حتی برای اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر هم ممنوع است. جلوگیری از وقوع آشکار منکراتیکی از وظایف نظام اسلامیست و در صدر اسلام چه بسا خود حاکمان این مهم را انجام می دادند. بعدها منصبی خاص با عنوان حسبه پدید آمد و متصدی آن (محتسب) موظف شد که با تظاهر به ترک معروفیا انجام منکر مقابله کند. به نوشته غزالی، محتسب باید از منکر آشکار که نیاز به تجسس ندارد، جلوگیری کند. بر این اساس، محتسب یا ناهی از منکر مجاز نیست که در امور پنهانی مردم تجسس و اسرار مخفی آنان را افشا کند. بسیاری از مؤلفانی که به شرایط حسبه توجه داشته‌اند، بر این نکته تصریح کرده و به حدیث مشهور نبوی استناد نموده‌اند؛ طبق آن حدیث، اگر کسی مرتکب کاری منکر شود و کار خود را آشکار کند حدّ بر او جاری خواهد شد (رنجبر، ۱۳۸۲، ۳۶).

### اقسام و موارد تجسس

- تجسس از این نظر که در بردارنده مصالح است یا خیر، متفاوت و بر چند قسم است: (کاووسی، ۱۳۷۷، ۱۳۳).
۱. به صرف آگاهی از احوال اشخاص و بدون انگیزه عقلایی انجام شود.
  ۲. با نیتی فاسد چون هتک، پراکندن فحشا و آزریدن مومنان انجام گیرد.
  ۳. با قصد و انگیزه ای سالم صورت پذیرد که خود به دو قسم منشعب می گردد:

### تبیین حکم تجسس جاسوسی

با توجه به اینکه در تحقیقات فقهی برای وصول به حکم واقعی طی طریق استنباط حکم به روش فقهی عظام و استفاده از روش ایشان حائز اهمیت می‌باشد نگارندگان نیز برای تبیین قلمرو و حکم اولیه جاسوسی مشی به این را برگزیده و ناظر به ذکر ادله حکم ادله معمول بر فعل جاسوسی در بادی امر به بررسی قلمرو آن می‌پردازد (کدیور، ۱۳۸۷، ۵۶).

### قرآن کریم

خداوند متعال در سوره حجرات آیه ۱۲ صریحاً تجسس را تحریم کرده و این‌گونه می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمان‌ها اجتناب کنید زیرا بعضی از ظن‌ها گناه است و تجسّسی نکنید البته کراهت و نفرت دارد و تقوای الهی پیشه کنید چه آنکه خداوند متعال تحقیقاً بسیار توبه‌پذیر و مهربان است».

### احادیث و روایات

در احادیث و روایات نیز حکم حرمت تجسس از احوال اهل ایمان و اسلام وارد شده است که به‌نوعی می‌توان آنها را مفسّر آیات مذکور دانست. بر این اساس نگارنده در این بخش برای ایضاح بهتر قلمرو حرمت به بررسی ادله حرمت از احادیث و روایات می‌پردازد، البته از بین روایات بسیار زیادی که وجود دارد آن دسته از روایاتی را مورد بررسی قرار می‌دهیم که دلالت آنها صریح‌تر و روشن‌تر می‌باشد و در این راستا نگارنده احادیث را به چند دسته تقسیم می‌کند که هر دسته به‌نوعی مفسّر و مبین آیات دال بر حرمت بوده و برای ایضاح بهتر قلمرو مستفاد از آیات ناگزیر از بررسی آنها می‌باشیم.

### روایات دال بر نهی از ارتکاب فعل جاسوسی و تجسس:

در سطور ذیل احادیثی که تصریح در مذمومیت و تقبیح جاسوسی و تجسس دارند به‌طور مؤجّز ارائه و مورد بررسی قرار می‌گیرد که عبارتند از:

یک. امام صادق (ع) فرمودند: «الجهل فی ثلاث تبدل الاخوان و المنابذه بغیر بیان والتجسس عما لایعنی» (حرانی، ۱۳۸۸ ش: ۳۱۷).

امام صادق (ع) در این حدیث صریحاً می‌فرماید تجسس از چیزی که غرض عقلایی بر آن بار نمی‌باشد مصداق جهل بوده و انجام آن مضمی شارع نمی‌باشد. این روایت تنها در یکی از مصادر شیعی نقل شده که متأسفانه مرسل و ضعیف می‌باشد و مراجع دیگر مانند بحارالانوار به نقل از این منبع آن را روایت کرده‌اند و اساساً این روایت نمی‌تواند دلیل مستقل برای انکشاف حکم تجسس باشد، چه آنکه علاوه بر قصور روایت از لحاظ سند قاصر در بیان حکم نیز می‌باشد. لکن به‌عنوان قرینه‌ای می‌تواند مفسر ادله حرمت تجسس و جاسوسی باشد و نکته‌ای که در تفسیر ادله حرمت از این روایت بر می‌آید اینکه تجسس و جاسوسی می‌تواند دو مصداق داشته باشد و تنها یک مصداق آن یعنی جایی که غرض عقلایی بر آن بار نباشد و بی‌معنا باشد در حیطة جهل قرار می‌گیرد، اما احتمال دارد مصداقی هم باشد که عرض عقلایی داشته و لازم باشد و حتی مصداق تعقل و تفقه باشد.

دو. حدیث دیگری که در این مجموعه می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد حدیث مرسل و ضعیف زیر از منابع اهل تسنن می‌باشد: «یاکم والظن فان الظن الکذب الحدیث و لاتحسسوا ولا تجسسوا» (نیشابوری، بی‌تا، ج ۳: ۲۷). این روایت گرچه صریحاً حکم حرمت را بیان می‌نماید لکن تنها در مصادر اهل تسنن ذکر شده است و می‌توان آن را قرینه‌ای بر حکم مستفاد از آیات دانست. براین حدیث از حیث سند و دلالت اشکالاتی وارد است که از بیان آنها برای احتراز از اطاله سخن پرهیز می‌کنیم. سه. در جایی دیگر سائل از امام صادق می‌پرسد: «آئی تزوجت امرأه متعه فوق فی نفسی ان لها زوجا، ففتشت عن ذلک فوجدت لها زوجا. قال: ولم فتشت؟» (عاملی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۴، ۴۵۷). این روایت نیز دلالت دارد که باید به ظاهر حال مسلمان اکتفا کرد و نباید به تجسس و تفتیش از باطن احوال او پرداخت و شاید حکمت این سؤال امام که متضمن توبیخ سائل است این باشد که با تجسس و تفتیش تو آبرو و عرض آن فرد در معرض هتک قرار می‌گیرد، لذا این کار بایسته نمی‌باشد. در روایت دیگری نیز همین مضمون وارد شده و تجسس و تفتیش از سوی ائمه نهی شده است.

این دسته از روایات که ذکر شده می‌تواند مفسر و مبین آیه اول باشد و به‌طور کلی آیه و احادیث به حرمت تجسس و تفتیش از احوال مسلمانان دلالت دارند؛ و بر اهل ایمان به‌طور خاص دلالت ندارند البته این عموم با دیگر ادله تخصیص خورده و حمل عام بر خاص خواهد شد.

### روایات دال بر تحریم جاسوسی از حوزه شخصی افراد:

این دسته از روایات بسیار فراوان بوده و نگارنده برای آنکه حیطة حرمت جاسوسی و تجسس را بهتر به دست آورد، برای جلوگیری از اطاله کلام به برخی از آنها که دلالتشان واضح‌تر است اشاره می‌نماید.

یک. اولین روایتی که در این دسته می‌توان بدان استناد کرده و تحریم تجسس از حوزه خصوصی افراد را از آن برداشت نمود عبارت است از: «ثلاثة یعدّون یوم القیامه... المستمع الی حدیث قوم و هم له کارهون» (حویزی، بی‌تا، ج ۵: ۹۳). در این حدیث شریف یکی از راه‌های تجسس یعنی استماع به اقوال دیگران نهی شده است و دلالت دارد بر اینکه دخالت در حیطة شخصی افراد نه تنها مذموم خود آنهاست بلکه خداوند متعال نیز آن را مذموم می‌شمارد زیرا در صدر حدیث فاعل آن را معذب در روز قیامت می‌داند.

دو. روایت دیگری که در اصل مفید مفاد روایت اول بوده یعنی تقبیح دخالت در حوزه خصوصی افراد، روایت زیر می‌باشد: «من استمع الی حدیث قوم وهم له کارهون یصب فی اذنیه الانک» (فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۳: ۳۷۶). سه. روایت زیر نیز همان مفاد روایت قبل را ارائه داده و دال بر تقبیح دخالت در حیطة‌های شخصی افراد می‌باشد: «عوره المؤمن علی المؤمن حرام؟ فقال: نعم قلت: سفلیه؟ قال: لیس هو حیث تذهب انما هو اذاعه سره» (مجلسی، بی‌تا، ج ۷۵: ۲۱۴). بر اساس این روایت امام اسرار مؤمن را عورت می‌دانند و تلاش برای افشا کردن اسرار مردم و بازگو نمودن آنچه را مردم نمی‌خواهند دیگران بدانند تحریم

می‌کند و به‌طور کلی براساس این حدیث شریف تجسس از اسرار مردم (که مانند نگاه کردن به عورت آنهاست) و نیز افشای سر او، مشمول حکم تحریم می‌گردد.

چهارم. دیگر روایت مروی از معصوم (ع) که دال بر تحریم تجسس حوزه خصوصی افراد است روایت زیر می‌باشد: «انی لم اوامر ان اشق عن قلوب الناس ولا اشق بطونهم» (محمدی ری شهری، ۱۴۰۳، ج ۲: ۴۲).

در این روایت معصوم می‌فرماید: من مأموریت ندارم تا از عقاید و حب و بغض و نیت‌های مردم تفتیش و از رازهای آنها تحقیق کنم بلکه من به ظواهر حال مردم قناعت می‌کنم و تفتیش از پنهانی‌های اعمال و اقوال و عقاید و نیت مردم را بر خود جائز نمی‌دانم. براین اساس مکلفین دیگر نیز جواز ورود به حیطه خصوصی افراد را نداشته و باید به ظاهر حال دیگران اکتفا کنند (ابایی، ۱۳۹۳، ۸۶)

پنج. روایت دیگری که مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی نقل می‌نماید و مدلول آن تحریم استطلاع و تجسس از لغزش‌ها و عیوب اهل ایمان می‌باشد عبارت است از: «لاتطلبوا عثرات المومنین فان من تتبع عثرات اخیه تتبع الله عثراته، ومن تتبع الله عثراته یفضحہ ولو فی جوف بیته» (کلینی، بی تا، ج ۱: ۳۵۵).

براساس این روایت نیز معصوم از تجسس و به‌دنبال لغزش‌ها و اسرار مؤمنان رفتن نهی می‌نماید و کسی را که به‌دنبال تجسس و لغزش‌های دیگران برود معاقب می‌داند. در این روایت قید مؤمنین آورده شده که نسبت به دیگر ادله عام، خاص می‌باشد و لذا بایست روایات عام حمل بر این موارد خاص گردد.

روایات بسیار زیاد دیگری هم وجود دارد که از به‌دنبال اسرار و عیوب و پنهانی‌های افراد رفتن نهی می‌کند که از ذکر آنها خودداری می‌کنیم. چه آنکه با همین اندازه تتبع می‌توان قدر متیقن از حرمت جاسوسی و استطلاع را در روایات برداشت کرد.

### روایات دال بر حرمت اشاعه فحشاء:

این دسته از احادیث می‌تواند به‌عنوان مفسر و مبینی برای آیه دوم باشد و به‌طور کلی دلالت بر تحریم اشاعه فحشاء دارند و اگر جاسوسی و استطلاع از احوال دیگران مصداق اشاعه فحشاء باشد داخل در دایره حرمت خواهد شد چنانکه در تفسیر آیه شریفه دال بر اشاعه فحشاء گذشت. روایات کثیر در حوزه تحریم اشاعه فحشاء وجود دارد که جهت اختصار این مقال بهیچیک از آن موارد اشاره می‌نماییم:

«من قال فی مؤمن ماراته عیناه وسمعتہ اذناه فهو من الذین قال الله عزوجل: ان الذین یحبون ان تشیع الفاحشه من الذین لهم عذاب الیم» (حویزی، بی تا، ج ۱۳: ۵۸۲-۵۸۳). در این روایت امام بیان اسرار و پنهانی‌های دیگران را مصداق اشاعه فحشاء می‌دانند و همان‌طور که اشاعه فحشاء حرام است طبعاً مصادیق آن نیز باید حرام باشد.

### اجماع

صاحب مسالك مدعی است که حرمت تجسس اجماعی است (کاظمی، بی تا، ج ۲: ۳۴۹). میرزا علی احمدی میانجی نیز حرمت تجسس را مسئله‌ای اجماعی می‌داند و قائل است همه مسلمانان آن را حرام می‌دانند البته ایشان نفرموده‌اند که منبع این اجماع چیست و قول ایشان در بیان مدعا برای ما حجت نمی‌باشد. (احمدی میانجی، ۱۳۸۴ ش: ۱۲۰). در صورت قول به حجیت اجماع در مسئله، در اینکه اجماع نیز بر همان قدر متیقن یعنی حرمت جاسوسی و استطلاع از احوال اهل ایمان دلالت می‌کند شکی نمی‌باشد چه آنکه اطلاق صرفاً در باب ادله لفظیه معنا دارد و حال آنکه اجماع جزو ادله لفظیه نمی‌باشد البته ذکر این نکته بعد از تمامیت اجماع معنا دارد و حال آنکه اجماع مدارکش وجود دارد و لذا فاقد حجیت خواهد بود، چه آنکه از شرایط حجیت اجماع کاشفیت از قول معصوم (ع) است و در این دسته از اجماع‌ها این شرط مفقود می‌باشد.

### دلیل عقل، بنای عقلا و سیره متشرعه

حجیت عقل از جمله بدیهیات بوده و از آنجا که مهمترین دلیل در اثبات اصول دین دلیل عقل است تردید در حجیت آن در فروع فقهی وجود نخواهد داشت حال از آنجایی که به حکم عقل حفظ اخلاق برای پایداری نظام جامعه و اسلام بسیار

ضروری و واجب می‌باشد و هر آنچه باعث خلل در آن گردد ترکش واجب است لذا از آنجا که تجسس از احوال اهل ایمان و برملا ساختن اسرار مسلمانان با حفظ اخلاق و نظام جامعه منافات دارد لذا عقل حکم به تحریم آن می‌کند (کدیور، ۱۳۸۷، ۵۶).

از سویی بنای عقلای عالم هم بر این بوده که أخذ به ظاهر حال افراد و عدم دخالت در حیطة شخصی افراد بوده است چه آنکه ورود به حیطة شخصی و تجسس و جاسوسی از احوال افراد آثار زیان‌باری داشته که حمل آن از دید عقلا، غایت و نهایت بی‌خردی بوده و از آنجا که از سوی شارع نه تنها این سیره رد نشده بلکه امضاء هم گردیده است، حجیت آن تمام می‌باشد. سیره متشرعه نیز طبق ادله حرمت دائر بر تحریم جاسوسی و تجسس از احوال مؤمنان بوده است؛ و از آنجا که خود شارع هم در بین متشرعین بوده است لذا از جانب ایشان نیز دارای حجیت می‌باشد.

### حریم خصوصی از دیدگاه امام خمینی

در بررسی موضوع حریم خصوصی باید به چند نکته توجه داشت: (رنجبر ۱۳۸۲: ۸۵). نکته اول اینکه نظر امام خمینی را باید به عنوان یک فقیه بررسی کنیم نه فیلسوفی سیاسی یا اندیشمندی اجتماعی. فیلسوفان و اندیشمندان سیاسی - اجتماعی با مبانی فکری خاصی که برگرفته از جریان تاریخی و اندیشه‌ای تاریخ غرب است به موضوع حقوق انسان‌ها پرداخته‌اند و امام خمینی در مقام فقیه‌ی سیاسی که معتقد و مقید به دین اسلام است با مبانی فکری و اعتقادی اسلام به موضوعات و مباحث نگریسته است. به دلیل جایگاه رهبری امام خمینی نظر و عمل ایشان در باب حقوق و آزادی‌های فردی به هم پیوند خورده است؛ یعنی امام خمینی زمانی که قیام را شروع کردند به بیان نظراتشان درباره حقوق و آزادی‌های فردی هم پرداختند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز که در جایگاه رهبر دینی و سیاسی جامعه قرار گرفتند از موضع رهبری با صدور فرمان‌ها و دستوراتی از جمله فرمان هشت ماده‌ای سعی در عملی کردن اندیشه‌های اسلامی خویش در جامعه داشتند. نکته دوم اینکه اگر امام به فرض به صورت اثباتی بر حقوق سیاسی مردم تأکید نکرده باشند به صورت سلبی بر حقوق مردم در قبال حکومت تأکید کرده است. به گونه‌ای که امام یکی از عوامل نامشروع بودن رژیم پهلوی را تضييع و سلب حقوق و آزادی‌های مردم می‌دانست. نکته سوم اینکه مرکز ثقل اندیشه امام خمینی سعادت است. از نظر امام خمینی راه سعادت هم اجرای احکام اسلامی است. سعادت در این مفهوم هم شامل آسایش دنیوی و هم رستگاری اخروی است. نه فقط اندیشه سیاسی امام خمینی بلکه تمام دغدغه‌های فکری و نوشته‌های قلمی امام حول محور سعادت انسان است. امام خمینی (ره) اجرای احکام اسلامی را که موجب سعادت انسان است جز از طریق تشکیل حکومت اسلامی عملی نمی‌دانست و در نتیجه در نظر و عمل سیاسی خود تشکیل حکومت اسلامی را به عنوان هدف اصلی و نهایی خود انتخاب کرد، چون آن را عامل اصلی سعادت انسان می‌دانست (رنجبر ۱۳۸۲: ۸۵).

### حریم خصوصی در قانون اساسی:

در اصل ۲۲ قانون اساسی آمده است (حیثیت، جان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند). در اصل ۲۳ آمده است تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد. آزادی اندیشه و بیان یکی از حقوق طبیعی و فکری بشر است، بنابر این نمی‌توان جلوی فکر و اندیشه را گرفت و انسانها حق دارند در مسائل گوناگون آزادانه بیان‌دیشند و نمی‌توان تکوینا و تشریعا افراد را به دین و آیینی مجبور کنند. در اصل ۲۵ که مهمترین اصل در مورد حریم خصوصی انسانها است آمده است (بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلفکس و سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون). احساس امنیت اجتماعی شهروندان در زندگی از جمله حقوقی است که باید به آن توجه نمود و هر گونه تعرض این امنیت را دچار خدشه می‌کند. البته این نکته که مگر به حکم قانون به این معنی نیست که با هر شرایطی بتوان به حریمی تجاوز کرد. مسوولان حکومتی باید با حفظ موازین شرعی و قانونی و اخلاقی وارد حریم خصوصی افراد شوند و آن هم در مواقع ضروری و نباید این امر تبدیل به قاعده شود. در اصل ۴۰ آمده است (هیچ کس اعمال

خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار ندهد.) در اصل ۱۲ قانون اساسی دین رسمی ایران را اسلام و مذهب جعفری دانسته و دیگر مذاهب اسلامی را با دیده احترام نگریسته و پیروان مذاهب را در انجام مراسم مذهبی و طبق فقه خود آزاد اعلام کرده است. در اصل ۳۲ آمده است هیچ کس را نمی توان دستگیر کرد سپس اجازه دستگیری و سلب آزادی هر کسی و تعرض بدان را به حکم و ترتیبی که قانون مشخص کرده مبتنی می سازد و باید دلیل بازداشت افراد ظرف ۲۴ ساعت به وی ابلاغ شود. در اصل ۳۳ نیز مجبور کردن افراد به اقامت در غیر محل سکونت خویش (تبعید) را نیز ممنوع کرده و فقط قانون اجازه این کار را دارد. در اصل ۳۸ بر دادخواهی افراد، در اصل ۳۷ بر برائت افراد از هر اتهامی، در اصل ۳۹ بر منع توهین و هتک حرمت افراد و در اصل ۳۸ بر منع شکنجه افراد تاکید شده و همه این اصول نشان می دهد که مسوولان حکومت باید نسبت به حقوق افراد توجه جدی داشته باشند (رنجبر، ۱۳۸۲، ۳۶).

### انواع حریم خصوصی:

حریم خصوصی به دو نوع تقسیم می شود: حریم خصوصی مادی و حریم خصوصی معنوی. در تعریف حریم خصوصی مادی باید گفت که این حریم مکان یا حدی است که شخص به تنهایی یا همراه جمعی دیگر در آن مکان قرار دارد. حریم خصوصی مادی هیچ گونه استلزامی با حریم خصوصی معنوی ندارد. حریم خصوصی مادی را خود اشخاص انتخاب می کنند؛ به این معنی که اعتبار آن ناشی از معرفی شخص و تایید کلی قانون است و ورود و خروج آن محدودیت دارد. این محدودیت ناشی از اصالت الصحه از یک طرف و اماره تصرف از طرف دیگر است، زیرا کسی که محدوده ای برای خود به عنوان حریم خصوصی برگزیده است، خودش هم می تواند به اعتبار حضورش، محدودیت هایی را در مورد ورود و خروج به حریم انتخاب شده اعمال کند و این حق از سوی دیگران نیز نمی تواند نادیده گرفته شود (کدیور، ۱۳۸۷، ۵۶).

### نگاه قانون به حریم خصوصی معنوی

حریم خصوصی معنوی وابسته و قائم به شخص است و همیشه همراه اوست؛ یعنی همراه شخصیت و ایده های اوست و حتی اگر تجسم مادی یافته باشد و نزد او نباشد، مانند یک دفترچه یادداشت خاطرات یا نامه خصوصی. اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر کرده است: (رنجبر، ۱۳۸۲، ۳۶).

حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند. معمولاً با از بین رفتن شخص، حریم خصوصی معنوی او نیز موضوعیت نخواهد داشت، زیرا حریم خصوصی معنوی به اعتبار شخص انسان اعتبار دارد. اغلب حریم خصوصی معنوی جزء خواسته ها و علایق ذهنی شخص بوده و تابعی از ایده ها و گرایش ها و آرمان های خصوصی افراد است. به همین دلیل، آنچه نزد هیچ شخص دیگری ارزش نداشته باشد یا اصولاً قابل توجه نباشد، ممکن است نزد دیگری به علت علایق، خواسته ها و ایده های بسیار مهم و باارزش و خصوصی تلقی شود؛ بنابراین، ارزش حریم خصوصی معنوی کاملاً نسبی و متفاوت است. همچنین، حریم خصوصی معنوی اغلب جنبه سری و محرمانه دارد تا جایی که در زندگی اجتماعی ما این دو مساوی هم فرض می شوند. حریم خصوصی معنوی الزاماً ممکن است محرمانه نباشد، اما دارای حدود و چارچوب معینی باشد که شخص آن را حریم خود می داند (کاووسی، ۱۳۷۷، ۱۳۳).

### رعایت حریم خصوصی

حریم خصوصی یکی از مصادیق آزادی های عمومی است. آزادی در زندگی خصوصی یعنی مصون بودن شخص از دخالت دیگران در امور خانوادگی و زناشویی و نیز مصون بودن از تفتیش و تجسس درباره وضع جسمانی و احوال شخصی و سایر امور فرد. استراق سمع گفت وگوهای خصوصی فرد و ثبت آن به وسیله ضبط صوت یا گرفتن عکس شخص یا مونتاژ آن بدون اجازه صاحب چهره و انتشار آن، مداخله در زندگی خصوصی فرد است که عرفاً و شرعاً ممنوع شده است (احمدی میانجی، ۱۳۸۴ ش: ۱۱۸).



### حریم خصوصی در قوانین و مقررات داخلی

در قوانین و مقررات داخلی نیز حریم خصوصی مورد توجه ویژه ای قرار گرفته است از جمله در اصل ۲۲ ق.ا.ج که اشعار می دارد: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.» به عبارتی، اصل ۲۲ قانون اساسی هم حریم خصوصی و هم حریم مادی را مد نظر قرار داده و حقوق را مصداق حریم خصوصی معنوی و مسکن را مصداق حریم خصوصی مادی بیان کرده است؛ اما به نظر می‌رسد در مورد مسکن، با توجه به مفهوم و معنی لغوی آن که افاده محل سکونت را می‌کند و محل سکونت نیز عرفاً و اغلب به جایی گفته می‌شود که صرفاً برای سکونت از آن بهره برده می‌شود، می‌توان اماکنی را که غیر از سکونت از آن استفاده دیگری می‌شود، داخل در موضوع اصل ۲۲ قرار داد و برای آنها قائل به حریم خصوصی شد. نحوه ارتباط با انسان‌های دیگر، آمدن و رفتن، لباس پوشیدن، انتخاب‌های شخصی یا سیاسی، تجرد و تاهل، دارایی و اموال، علایق و گرایش‌های شخصی و بسیاری موارد دیگر، از مصادیق زندگی خصوصی هستند و جزء حریم خصوصیاتشخاص به حساب می‌آیند. همچنین اصل ۲۵ قانون اساسی به طور اختصاصی مدافع حریم خصوصی معنوی اشخاص است و بر اساس آن، هر شخص برای خود دارای خلوتی است که دیگران را به آن راه نیست و این حریم و خلوت ممکن است در یک نامه خصوصی یا مکالمه تلفنی یا پیام کوتاه باشد. این حریم اگرچه ممکن است برای دیگران هیچ ارزش یا جذابیتی نداشته باشد، اما برای صاحب آن محترم و باارزش است و چه بسا که این حریم حاصل تفکرات یا احساسات یا هر گونه تمایلات و روحیات اشخاص باشد (کاووسی، ۱۳۷۷، ۱۳۳).

### نقض حریم خصوصی:

به عنوان مثال می‌توان یکی از مصداق‌های بارز نقض حریم حقوق معنوی اشخاص را اعمال شکنجه برای اعتراف گرفتن دانست. آنچه اصل ۲۵ قانون اساسی به آن تصریح دارد، ضمانت بخشی از امنیت اجتماعی شهروندان بوده که در صورت نقض آنها، موجبات از بین رفتن بخشی از امنیت اجتماعی نیز فراهم خواهد شد و کار به جایی خواهد رسید که هر شخص برای حراست از حریم معنوی خویش به هر وسیله ممکن متوسل خواهد شد. فرد در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه، یا مکاتباتش نباید مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هر کس حق دارد در مقابل این‌گونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانون باشد. زندگی خصوصی دامنه‌ای وسیع دارد و می‌توان هرچه را به دیگران مربوط نیست و با زندگی امور دیگران ارتباط ندارد، جزء زندگی خصوصی دانست. امور خانوادگی هم بخشی از زندگی خصوصی به حساب می‌آید. مکاتبات افراد نیز جزء حریم خصوصی معنوی و مصداقی از زندگی خصوصی آنها است و نمی‌توان به اطلاع یا فاش کردن یا علنی کردن آنها اقدام کرد. همان‌طور که گفته شد، نحوه ارتباط با انسان‌های دیگر، آمدن و رفتن، لباس پوشیدن، انتخاب‌های شخصی یا سیاسی، تجرد و تاهل، دارایی و اموال، علایق و گرایش‌های شخصی هم از مصادیق زندگی خصوصی هستند و جزء حریم خصوصی اشخاص به حساب می‌آیند که به موجب ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر هیچ‌کس حق مداخله‌های خودسرانه در آنها را ندارد و هیچ‌کس نمی‌تواند آنها را زیر سؤال ببرد یا تغییراتی را در آن به صاحب آن حریم تحمیل کند. همچنین برابر این ماده هر کسی حق دارد در مقابل این‌گونه مداخلات و حملات مورد حمایت قانونی قرار گیرد (گلدوزیان، ۱۳۶۹، ۷۸).

### ورود به حریم خصوصی و امر به معروف

یکی از وظایف حاکمیت، امر به معروف و نهی از منکر است و این همان موضوعی است که در مقدمه قانون اساسی هم آمده است. بر اساس این موضوع، مقام معظم رهبری فرمودند که حاکم اسلامی وظیفه دارد راه‌ها را هموار و اهدافی را تعریف کند تا مردم در جهت رسیدن به این اهداف بتوانند راه سعادت و شقاوت خود را بشناسند. اساس و تاسیس حکومت اسلامی و فلسفه انقلاب جمهوری اسلامی ایران تعیین راه زندگی مردم است و فلسفه اسلام این بوده که ما راه سعادت و انسان‌شناسی را بشناسیم. به فرموده مقام معظم رهبری، وظیفه حکومت اسلامی است که این مسیرها را برای مردم شناسایی و مردم را کمک

کند تا در این مسیر قرار گیرند. تفکر بعضی از افراد این است که به هر طریق ممکن می‌توانند مردم را هدایت کنند. این تفکر غلط است. قطعاً با ورود به حریم خصوصی افراد نمی‌توان به آنها راه را نشان داد. این موضوع مخالف آیه شریفه «لااکراه فی‌الدین» و فرمان هشت‌ماده‌ای امام خمینی (ره) است. قطعاً حکومت باید مسیر را به مردم نشان دهد تا با اختیار خودشان راه را انتخاب کنند. البته مردم هم این حق را ندارند که از این اختیار سوءاستفاده کرده و به حقوق دیگرانی که می‌خواهند وارد این مسیر شوند تعرض کنند. نظم عمومی باعث می‌شود مردم حق تعارض به کسانی را که می‌خواهند وارد این مسیر شوند نداشته باشند. فلسفه حکومت اسلامی این است که راه را به مردم نشان دهد، اما مسئولان در زمینه امر به معروف و نهی از منکر حق ندارند به اجبار این کار را انجام دهند و وارد حریم خصوصی افراد شوند و به حقوق مردم تعرض کنند تا آنها به سعادت برسند (رحمان ستایش، ۱۳۷۹، ۴۶).

### اختیارات جاسوسان

وظیفه جاسوسان خبرگیری در محدوده‌ای است که حاکم یا قاضی به آنها اجازه داده و تجاوز از این حد جایز نیست. فلذا بدون أخذ مجوزهای لازم حق تنبیه مسلمانان را ندارند چنانچه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: لعنت خدا بر آنکه جز قاتل خود را بکشد و جز زنده خود را بزند. البته در موارد تزاحم با مصلحتی اهم باید اهم را مقدم کرد. درباره نوع اجرای مراقبت نیز باید دقت کرد که تجسس بر حسب اقوام و افراد مختلف متفاوت است. مثلاً تجسس درباره کفار با تندی همراه است، ولی مراقبت از کارگزاران و قضات و دیگر افراد امت اسلامی همراه با لطف و بزرگواری (گلدوزیان، ۱۳۶۹، ۷۹).

### ویژگیهای مراقبان

در روایات به اوصافی مانند شجاعت، امانت، حق‌گویی، راست‌گویی، اعتماد، وفا و ... اشاره شده که داشتن برخی اوصاف برای مأموران اطلاعاتی لازم است. علاوه بر اینها شروطی هم به عنوان شروط کمال برایشان ذکر شده که سزاوار است مورد لحاظ قرار گیرد مثل اینکه پیراسته از حسد، کینه، دشمنی آشکار و ... باشند. در نهایت باید دقت داشت آنچه معتبر است اطمینان به خیر است نه اعتماد به خبر دهنده. خبررسانی مطلوب و ثمربخش مشروط به اموری چند می‌باشد: ارائه آنها تنها به فردی که اجازه دارد. چرا که در غیر این صورت چه بسا سبب ضعف و سستی و یا اشاعه فحشاء شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به حباب بن منذر فرمودند: هنگامی که میان مسلمانان هستم برایم خبر نیاور، مگر زمانی که تعداد مخالفان را اندک دیده باشی. تمام آنچه را دیده گزارش کند نه بیشتر و نه کمتر و مراقب باشد که رفاقت و خویشاوندی بر گزارشش مؤثر نباشد. میان دیده‌ها و شنیده‌ها، قطعیت و مظنونیت فرق بگذارد. (المغازی، ج ۱، ص ۲۰۷).

### حکم خبررسانی مسلمان برای دشمن

بدون شک خبرگیری مسلمان به سود دشمنان، خیانت و دوست گرفتن ایشان و همراه شدن با آنها کاری حرام است؛ و چه بسا گفته شود که نفس تجسس برای دشمنان، خود، ارتداد است ولی این سخن پذیرفته نیست و مؤید آن هم اطلاق «مؤمن» بر «أبولبابه» و «حاطب» است که هر دو اخبار مسلمانان را در اختیار کفار قرار دادند چرا که ممکن است قصد چنین شخصی رسیدن به مال و مانند آن باشد نه روی گرداندن از اسلام. چنانچه ظاهر کلام شیخ طوسیو علامه حلیو برخی از فقهای دیگر همین است. البته به بخشی از سخنان پیامبر در مورد قضیه حاطب ابن ابی‌بلتعه برای حکم به جواز قتل جاسوس استدلال شده که پذیرفته نمی‌باشد.

### تبادل اطلاعات

تبادل اطلاعات در زمینه مسائل علمی و صنایع و مانند اینها جایز است ولی در مورد اسرار نظام تنها در صورتی جایز است که خبر کشف شده دارای چنان اهمیتی باشد که حرمت افشاء را ساقط کند و در این مورد نیز باید به مقدار ضرورت بسنده کرد. حکومت اسلامی می‌تواند برای خبررسانی از اسرار دشمن پاداش نقدی تحت عنوان اجاره، صلح، جعله و بیع با مراعات

شرایطش تعیین کند. فروش و داد و ستد اطلاعات میان کشورهای رقیب جایز است. چنانچه سرقت اطلاعات از کفار غیر ذمی هم جایز است البته چنانچه قراردادی با آنها بسته شود باید وفا کرد (کاووسی، ۱۳۷۷، ۱۳۳).

### نتیجه گیری

با استناد به ادله‌ای که برای حرمت جاسوسی و تجسس و استطلاع به آنها اشاره کرده و در این مجال مورد بررسی قرار گرفت نمی‌توان به‌طور کلی و مطلقاً قائل به حرمت تجسس و جاسوسی شد چه آنکه ادله دال بر حرمت، قاصر از این می‌باشند که تجسس و جاسوسی را مطلقاً تحریم نمایند و به‌طور خلاصه می‌توان محدوده حرمت را در محورهای زیر به‌طور خلاصه و مؤجز مشخص کرد. تجسس و جاسوسی عبث و بی‌دلیل: همان‌طور که از ادله حرمت می‌توان دریافت اگر جاسوسی و تجسس بدون هدف و بنا بر یک مصلحت یا عرض عقلایی و الهی نباشد بی‌شک محرم بوده و چنانکه فرموده‌اند این‌گونه تجسس‌ها رفتار جاهلانه می‌باشد.

تجسس در مورد مؤمنان: از دیگر محورهایی که از ادله حرمت تجسس بر می‌آید تجسس در احوال مؤمنان است چه آنکه در اکثر روایات در موضوع تجسس قیودی وجود دارد که دلالت بر تحریم جاسوسی در احوال اهل ایمان دارد چرا که نیروهای حکومت اسلامی و متعلق به بیضه اسلام عموماً از خطر و تهدید کلی برای جامعه و نظام اسلامی به دورند و اسرار و عیوب آنها صرفاً جنبه شخصی دارد و جاسوسی در امور آنها نقش سازنده‌ای ندارد؛ و اگر فردی تمهیدات کمک به اجانب را از طریق جاسوسی و غیره ایجاد کند اساساً جزو اهل ایمان نبوده و مشمول حکم مستفاد از این ادله نخواهد بود. از سوی دیگر از ادله مذکور دال بر حرمت بر می‌آید حرمت دخالت، تجسس و جاسوسی برای اکتشاف عیوب دیگران می‌باشد چه آنکه اساساً اسلام در پوشیده‌های رفتار خصوصی مصلحت را اخفای آن می‌داند و مکلفین را از به‌دنبال عیوب دیگران رفتن باز می‌دارد و به‌طور کلی از مفاد و محتوای آیات و روایات و دیگر ادله استفاده می‌شود که حکم حرمت جاسوسی و تجسس دارای حد و مرز خاصی بوده و بر تمام مصادیق آن نمی‌توان حکم حرمت را بار کرد. بر این اساس از دیدگاه اسلام مسلمانان دارای عزت، شأن و حرمت می‌باشند و کسی حق هتک آنرا ندارد و اصل اولیة اجتماعی اسلام احترام به دیگران و عدم تجاوز و عدم تجسس از آنها و در نهایت حرمت انکشاف آنچه افراد، خدا و رسول (ص) از محصول آن خشنود نمی‌گردند.

### منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابایی، حسن، (۲۹۳۳). *جاسوسی از دیدگاه حقوق بین‌الملل*، بیجا، تهران، گنج دانش.
۳. اترک، حسین، (۱۳۹۰). *ماهیت و حکم اخلاقی تجسس*، سال دوم، شماره چهارم، صفحه ۱۵۱ - ۱۶۵.
۴. احمدی میانجی، میرزا علی (۱۳۸۴ ش)، *اطلاعات و تحقیقات در اسلام*، تهران: نشر دادگستر.
۵. ادیانی، سیدیونس. (۱۳۸۸) *ابعاد حریم خصوصی در حکومت اسلامی*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۶. امینی، عبدالحسین، (۱۳۷۹). *الغدیر، بیروت، دارالکتب العربی*.
۷. انصاری، باقر. (۱۳۸۶) *حقوق حریم خصوصی*، تهران: انتشارات سمت.
۸. پورسیدرضا، سید مجتبی، (۱۳۸۹)، *بررسی فقهی تجسس در اسلام (پایان نامه کارشناسی ارشد)*، کرج، دانشگاه آزاد
۹. رحمان ستایش، محمد کاظم، (۱۳۷۹). *تجسس، دانشنامه جهان اسلام*، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی.
۱۰. رنجبر، مقصود. (۱۳۸۲) *حقوق و آزادی‌های فردی از دیدگاه امام خمینی*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۱. سبحانی، جعفر، (۱۳۷۰). *مبانی حکومت اسلامی*، قم، توحید.
۱۲. شروانی، عبادی، عبدالحمید، ابن قاسم، حواشی الشروانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا.

۱۳. صارمی، سیف‌الله. (۱۳۸۵) حقوق مردم در حکومت از دیدگاه امام خمینی، تهران: چاپ و نشر عروج.
۱۴. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر. (۱۳۸۸) آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۵. کاووسی، محمدرضا. (۱۳۷۷) «حقوق بشر و آزادی‌های عمومی از دیدگاه امام خمینی (س)»، مجله مجلس و پژوهش، سال ششم، شماره ۲۶، صص ۱۳۳-۱۲۲.
۱۶. کدیور، محسن. (۱۳۸۷) حق الناس (اسلام و حقوق بشر)، تهران: انتشارات کویر.
۱۷. گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، ج ۱، انتشارات بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، چاپ دوم، تهران، ۱۳۶۹.
۱۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳.
۱۹. محمد صالح ولیدی، حقوق جزای اختصاصی، ج ۳، دفترنشر داد، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۳.

# Investigating the Concepts and Position of the Reasons and Rules of Tajasos in Jurisprudence and its Conflict with People's Privacy

Mohammad Hossein Ebrahimi

*Master of jurisprudence and principles of Islamic law, Science and Research center, Islamic Azad University, Sistan and Baluchestan, Iran*

---

## Abstract

The science of law deals with human, and human beings' enjoyment of citizenship rights is one of the important issues of religious and non-religious legal systems. While the term "citizen" is defined differently in different perspectives, investigating these perspectives and comparing them in the Sirah Nabavi (Holy Prophet's Manners) and in Iranian law, while being novel, could lead to further investigations and discussion of this important issue. Tajasos (spying and interfering in people's affairs) is one of the most important ethical issues in the modern societies which occurs either due to some people's curiosity about others' affairs or due to the career needs of some officials including the police, security forces and journalists. The main question in this study is: what is the ruling of jurisprudence about Tajasos or interfering with the privacy of individuals? The main hypothesis in response to the above question is that the privacy of individuals in the jurisprudence is not a matter of religion, but a matter of convention, although it is mentioned and favored in jurisprudence under various titles. The findings of the research indicate that what is forbidden in Islam is spying the privacy of the faithful rather than spying the affairs of all human beings, including the unbelievers, infidels, and so forth. People's privacy in jurisprudence has nothing to do with religion; it is merely a conventional issue, although it is mentioned and protected in jurisprudence under various titles.

**Keywords:** reasons and rules, Tajasos in jurisprudence, privacy

---